

، رابرت وانوی، پیامبران بزرگ، درس ۱۵

بنده خداوند، ادامه موضوع

بنده خداوند (اشعیا ۴۲: ۱-۷) (و سوالات ۲.

ما در اشعیا ۴۲: ۱-۷ هستیم. شما شرح نسبتاً مفصلی از کار بنده دارید، به ویژه در آیه ۴ که می‌خوانید: «او ناامید و دلسرد نخواهد شد تا عدالت را در زمین برقرار کند. جزایر به شریعت او امید خواهند داشت.» «سپس به آیه ۶ می‌رسیم: «من، خداوند، تو را به عدالت خوانده‌ام. دست تو را خواهم گرفت. تو را حفظ خواهم کرد تا عهدی برای قوم و نوری برای امت‌ها باشی، تا چشمان کوران را باز کنی، اسیران را از زندان آزاد کنی و کسانی را که «در تاریکی نشسته‌اند از سیاهچال رهایی بخشی

وقتی در آیه ۸: ۴۱ خوانده‌ایم که «تو ای اسرائیل، بنده من»، ممکن است سوالاتی پیش بیاید. چگونه ممکن است که اسرائیل کارهایی را که در اینجا به کار بنده نسبت داده شده است، انجام دهد؟ این سوال نه تنها ممکن است برای خواننده یا شنونده پیش بیاید، بلکه سوالی است که در خود متن به آن پرداخته شده است، زیرا وقتی به فصل آیه ۱۹ می‌روید، می‌خوانید: «کیست کور، مانند بنده من، یا کر، مانند رسولی که من می‌فرستم؟ کیست کور، ۴۲، مانند کسی که به من سپرده شده است، مانند بنده خداوند؟ چیزهای زیادی دیده‌اید، اما توجه نکرده‌اید. گوش‌هایتان باز است، اما چیزی نمی‌شنوید.» آیه ۲۲ ادامه می‌دهد: «اما ایشان قومی غارت شده و غارت شده هستند. همه آنها در گودال‌ها گرفتار شده‌اند یا در زندان‌ها پنهان شده‌اند. آنها غارت شده‌اند و کسی نیست که آنها را نجات دهد.» اسرائیل چگونه زندانیان را از زندان بیرون خواهد آورد در حالی که خودشان در زندان هستند؟ چگونه آنها نوری برای ملت‌ها خواهند بود در حالی که کور و غارت شده و غارت شده هستند؟ و به نظر می‌رسد یک سوال واقعی وجود دارد و شما از خود می‌پرسید که پاسخ آن چیست.

چه کسی یعقوب را تسلیم غارت کرد و «اما فصل ۴۲، آیه ۲۴، ایده دیگری را مطرح می‌کند اشعیا ۲۴: ۲۴ چه کسی یعقوب را تسلیم کرد؟ چرا اسرائیل در این وضعیت - در تبعید - قرار دارد؟ اسرائیل را به غارتگران؟ غارت کرد و اسرائیل را به غارتگران؟ آیا خداوند نبود که ما به او گناه کرده‌ایم؟ زیرا آنها از راه‌های او پیروی بنابراین دلیل اینکه اسرائیل در شرایطی است که خود را می‌بیند این «نکردند و از شریعت او اطاعت نکردند است که او به خدا گناه کرده است و خدا قوم خود را به تبعید و رنج انداخته است. بنابراین وضعیتی که در این مرحله ایجاد شد این است: اسرائیل بنده خداست و اسرائیل باید نوری برای ملت‌ها باشد، عدالت را به اقصی نقاط زمین بیاورد و زندانیان را از زندان رهایی دهد، اما خود اسرائیل در اسارت و تاریکی است. خود اسرائیل به یک نجات‌دهنده نیاز دارد.

من فکر می‌کنم مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌شود، هرچند تا حدودی غیرمستقیم، همین مسئله‌ی گناه است. رهایی از تبعید مهم است، اما مهم‌تر از آن رهایی از گناه است، زیرا گناه باعث تبعید شده است. بنابراین باید با مشکل واقعی روبرو شد. من فکر می‌کنم آنچه در اینجا به آن اشاره شده این است که تبعید نمی‌تواند مشکل آنها چه کسی یعقوب را تسلیم غارت کرد و اسرائیل را به غارتگران؟ آیا خداوند نبود. «باشد. مشکل واقعی گناه است در این.» که ما علیه او گناه کردیم؟ زیرا آنها از راه‌های او پیروی نکردند. آنها از شریعت او اطاعت نکردند مرحله هیچ راه حلی برای این سوالات مطرح شده وجود ندارد. اسرائیل چگونه باید این وظیفه یا این عملکرد را انجام دهد؟ چگونه باید به این مسئله‌ی گناه پرداخته شود؟ جنبه‌های مشکل باید در نظر گرفته شوند، اما هیچ راه حلی وجود ندارد.

بنابراین در این متن نکات زیادی در مورد بنده وجود دارد. اگر به قسمت‌های اولیه فصل نگاهی بیندازید، بنده در آیه ۱ برگزیده خداوند است: «اینک بنده من که او را حمایت می‌کنم؛ برگزیده من.» بنده روح خداوند را دارد: «روح خود را بر او می‌گذارم.» در آیات ۲ و ۳ حلم شخصیت او را می‌بینید: «نی خرد شده را نخواهد شکست، کتان دود کرده را خاموش خواهد کرد.» آیه ۴: «او عدالت را برای ملت‌ها خواهد آورد، عدالت را در زمین برقرار خواهد کرد؛ سواحل منتظر شریعت او خواهند بود.» آیه ۶: «او نوری برای امت‌ها خواهد بود.» آیه تا اسیران را از زندان آزاد کند.» اما سپس به آیات ۱۹ و ۲۰ می‌رسید، با این مشکل مواجه می‌شوید: بنده: «۷: «خداوند که باید این کارها را انجام دهد، کور است.» کیست جز بنده من کور؟»

اشعیا ۱۰: ۴۳. ۳.

بیایید به سراغ بخش بعدی مربوط به خدمتگزاران برویم، که بخش سوم خواهد بود، یعنی اشعیا ۱۰: ۴۳. شما شاهدان من هستید، «خداوند می‌گوید،» و بنده‌ی من که او را برگزیده‌ام، تا بدانید و به من «در آنجا می‌خوانید حال، آن آیه.» ایمان آورید و بفهمید که من او هستم. پیش از من خدایی مصور نشده و پس از من نیز نخواهد شد پس از بخش بسیار معروف ابتدای فصل ۴۳ آمده است. در واقع، آیات ۴۳-۱: ۴-۱ آیات زیبایی هستند. آنجا اما اکنون، این چیزی است که خداوند می‌گوید - آن که تو را آفرید، ای یعقوب؛ آن که تو را آفرید، ای «می‌خوانید اسرائیل: نترس، زیرا من تو را رهایی داده‌ام؛ من تو را به نام فراخوانده‌ام؛ تو از آن من هستی. وقتی از آب‌ها عبور کنی، من با تو خواهم بود؛ و وقتی از رودخانه‌ها عبور کنی، آنها تو را نخواهند پوشاند. وقتی از میان آتش خدا می‌گویی، با وجود گناه اسرائیل، او را نجات.» عبور کنی، نخواهی سوخت؛ شعله‌ها تو را نخواهند سوزاند خواهد داد؛ وقتی او از آب‌ها عبور کند، او با او خواهد بود. این بدان معنا نیست که او با مشکلات روبرو خواهد شد، اما او کاملاً نابود یا سوزانده نخواهد شد.

خداوند می‌گوید: شما شاهدان من هستید و بنده «: آیه ۱۰ سپس می‌گوید که بنی‌اسرائیل شاهدان او هستند بنابراین، با وجود هر اتفاقی که افتاده است، اسرائیل بنده خداست. اسرائیل واسطه‌ای «. من که او را برگزیده‌ام است که از طریق او آن کار جهانی فصل ۴۲، مثلاً آیه ۴ و آیه ۶، باید انجام شود». شما شاهدان من هستید «. بنابراین شما فقط آن یک آیه را دارید که به موضوع بنده می‌پردازد: آیه ۱۰.

اما وقتی به اشعیا ۲۲:۴۳ و بعد از آن می‌رسید، ایده بسیار اشعیا ۲۲:۴۳-۲۵ ناامیدی خدا از گناه قومش مشابهی با پایان فصل ۴۲ - پایان فصل قبل - دارید. در اینجا بیانیه‌ای از ناامیدی خدا از گناه قومش دریافت شما گوسفندانی «: می‌کنید. آنها قرار بود شاهدان او باشند، اما قومی گناهکار بودند. فصل ۴۳، آیه ۲۲ می‌گوید برای قربانی‌های سوختنی برای من نیاوردید و با قربانی‌های خود مرا تکریم نکردید. من با هدایای غله بر شما بار نیاوردم و با درخواست بخور، شما را خسته نکردم. شما هیچ کاهوی معطری برای من نخریدید و چربی «. قربانی‌های خود را به من نبخشیدید. اما شما با گناهان خود مرا بار کردید و با گناهان خود مرا خسته کردید بنابراین، در اینجا همان ایده‌ای که در انتهای فصل ۴۲ یافت می‌شود - ناامیدی از وضعیت - وجود دارد. اسرائیل قرار بود شاهدان خدا باشد؛ اسرائیل قرار بود نور را برای غیریهودیان بیاورد، اما «شما با گناهان خود مرا بار کردید، با گناهان خود مرا خسته کردید».

من، حتی من، آن کسی هستم که به «: اما سپس فصل ۴۳، آیه ۲۵، جمله قابل توجهی را بیان می‌کند بنابراین، با وجود گناه آنها، خدا «. خاطر خودم گناهان شما را محو می‌کنم و دیگر گناهان شما را به یاد نمی‌آورم می‌گوید که قرار است گناهان آنها را محو کند، به گناهانی که واقعاً مسئول رنجی هستند که به آن دچار شده‌اند، پایان دهد. بنابراین، این ایده دیگری را مطرح می‌کند و ممکن است این سؤال مطرح شود: «چطور چنین چیزی ممکن است؟ چگونه خدا می‌تواند به سادگی بگوید: «من گناهان شما را محو خواهم کرد، گناهان شما را به یاد نخواهم آورد»؟» «در حال حاضر هیچ پاسخی برای آن وجود ندارد، اما این سؤالی است که مطرح می‌شود. اما در اینجا می‌بینید که اگر به آیه ۱۰ برگردید، بنده توسط خداوند انتخاب شده است تا خدا را بشناسد و به او ایمان با این «. بنده من که او را برگزیده‌ام، تا مرا بشناسید و به من ایمان بیاورید و بفهمید که من او هستم». بیاورد حال، اسرائیل علیه خداوند شورش کرده و به خداوند وفادار نبوده است، بلکه بار گناهان خود را بر دوش خداوند «گذاشته است. اما سپس آیه ۲۵ می‌گوید: «من آنم که به خاطر خودم گناهان را محو می‌کنم».

این متن تا حدودی دشوار است. اصطلاح «بنده» در آیه ۱۰:۴۳ ذکر شده است، و اگر متن را تعریف وسعت مرور کنید، کاملاً واضح به نظر می‌رسد که در آیه ۱۰:۴۳ منظور از بنده، اسرائیل است، همانطور که در باب نیز چنین بود. بیشتر آنچه در ادامه می‌آید درباره اسرائیل است که در اینجا به عنوان بنده خدا معرفی شده ۴۱ است. بنابراین، از آیه ۱۰ تا بقیه باب، موضوع بنده در بقیه باب جریان می‌یابد.

بنده در آیات ۲۲ تا ۲۵ درباره اسرائیل صحبت می‌کرد. در این زمینه، اسرائیل، بنده است. این سوال دیگری است که مطرح می‌شود: بنده کیست - آیا او اسرائیل است یا کسی متمایز از اسرائیل است که بخشی از اسرائیل است، اما هنوز مشخص نشده است؟ این موضوع با ادامه مطلب روشن می‌شود. در این مرحله، هیچ راه حلی برای این سوال وجود ندارد.

برای من گوسفندی برای قربانی‌های سوختنی نیاوردی و با قربانی‌هایت مرا تکریم «: فصل ۴۳، آیه ۲۳ یعنی «من با هدایای غله بر «. نکردی. من با هدایای غله بر تو بار نبستم و با درخواست بخور، تو را خسته نکردم NASB تو بار نبستم»، در مقایسه با «تو با گناهانت بر من بار نبستی، تو با گناهانت مرا خسته کردی.» چه کسی هر دو در NIV و NASB دارد؟ می‌گوید: «من با هدایایت بر تو بار نبستم و با بخور، تو را خسته نکردم.» اما این مورد توافق دارند و احتمالاً دلیل خوبی برای آن وجود دارد. این امر آن عبارت صریح در آیه ۲۳ را حذف می‌کند؛ اما وقتی به آیه ۲۴ ادامه می‌دهید، واضح است که اسرائیل در اینجا به دلیل عدم عمل به تعهداتش محکوم تو هیچ کلم خوشبویی برای من نخریدی و چربی قربانی‌هایت را بر من نریختی. بلکه با گناهانت بر « - می‌شود ببینید، شاه جیمز در آیه ۲۳ ب می‌گوید: «من تو را با قربانی به «. من بار کردی و با گناهانت مرا خسته کردی خدمت و نداشتم و تو را با بخور خسته نکردم «و ترجمه جدید می‌گوید: «من تو را با هدایای غله بار نکرده‌ام و تو را با درخواست بخور خسته نکردم.» این فقط تفاوت بین «قربانی «و «هدیه غله «است؛ تفاوت بسیار کمی. آیه ۲۴ ب چیزی است که واقعاً موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد: «تو مرا با گناهان خود بار کردی و مرا با «گناهان خود خسته کردی «با این حال، خداوند می‌گوید: «من گناهان تو را محو خواهم کرد»

بیاید به چهارمین متن خدمتگزار، یعنی اشعیا ۴۴: ۱-۲، برویم. در اینجا دوباره به این اشعیا ۴۴: ۱-۲. سوال می‌رسیم که این متن را تا چه حد گسترش می‌دهید. حداقل می‌توانید به آیه ۸ بروید، اما مطمئناً به ۱ و ۲ هم اما اکنون ای یعقوب، بنده من، اسرائیل، که تو را برگزیده‌ام، بشنو. این «: خواهید رسید. در فصل ۴۴ می‌خوانید چیزی است که خداوند می‌گوید - او که تو را آفرید، که تو را در رحم شکل داد، و تو را یاری خواهد کرد: ای به نظر می‌رسد این اعلام قطعیت انجام کاری است که « یعقوب، بنده من، یشورون، که تو را برگزیده‌ام، مترس خدا به بنده خود سپرده است. آن کار در فصل ۴۲ در آنچه او انجام داد، شرح داده شده است. اما در پنج آیه اول، بنده فقط در آیه ۲ به صراحت ذکر شده است.

در پنج آیه اول می‌خوانید که یعقوب نباید بترسد، زیرا خدا روح خود را بر نسل اسرائیل خواهد ریخت. زیرا من آب را بر زمین تشنه و نهرها را بر زمین خشک خواهم ریخت. «: این را در فصل ۴۴، آیه ۳ می‌خوانید روح خود را بر نسل تو و برکت خود را بر فرزندان تو خواهم ریخت. آنها مانند علف در چمنزار، مانند درختان بنابراین خدا روح خود را بر نسل اسرائیل خواهد ریخت و «. صنوبر در کنار جویبارهای روان، خواهند رویید

نسل‌های زیادی را به وجود خواهد آورد. گفته می‌شود که آنها مانند بیدها در کنار جویبارها خواهند روید». روح و برکت خود را بر نسل تو خواهم ریخت. آنها مانند علف در «خود را بر نسل تو خواهم ریخت» (پایان آیه ۳ مر غزار، مانند درختان صنوبر در کنار نهرهای جاری خواهند روید. یکی خواهد گفت: «من از آن خداوند هستم»؛ دیگری خود را به نام یعقوب خواهد نامید؛ دیگری بر دست خود خواهد نوشت: «از آن خداوند» و نام اسرائیل را بر خود خواهد گرفت. این همان چیزی است که خداوند می‌گوید - پادشاه و نجات‌دهنده اسرائیل، خداوند «... متعال»: «من اول هستم و من آخر هستم؛ غیر از من خدایی نیست».

اشعیا ۴۴:۳-۴ (و عده خدا) اشعیا ۴۴:۳-۴ (پیوند زدن به غیریهودیان) رجوع کنید به یوئیل ۲:۲۸ و پنطیکاست (و عده خداست): «من آب را بر زمین تشنه خواهم ریخت» (که سپس توضیح می‌دهد): «روح خود را بر نسل تو خواهم ریخت». «تحقق این پیشگویی در اشعیا ۱۵:۳۲ آمده است. به یاد داشته باشید، این در چارچوب آن عبارت تبدیل مزرعه بارور به جنگل و جنگل به مزرعه بارور بود که بین آن را به عنوان تأثیر پیشروی آشوریان تفسیر می‌کند. اما در اینجا می‌گوید که تحقق این پیشگویی دیرتر از تحقق پیشگویی ۱۵:۳۲ در آمدن روح خدا برای در مورد ریزش هزار b آوردن امید به جای ورود سنحاریب است. با این حال، زودتر از تحقق پیشگویی ۲۱:۵۹ ساله روح است. بنابراین آنچه بین می‌بیند این است: وقتی می‌گوید: «روح خود را بر فرزندان تو و برکت خود را بر فرزندان تو خواهم ریخت. آنها مانند علف در چمنزار خواهند روید»، به پیوند زدن غیریهودیان اشاره دارد. این در آیه بعدی، ۴۴:۵، آمده است. او می‌گوید که ۴۴:۳-۴ با یوئیل ۲:۲۸-۲۹ که پنطیکاست را پیش‌بینی می‌کند، موازی است. ببینید، وقتی آیات ۴ و ۵ را در مورد فرزندان که مانند درختان صنوبر در کنار نهرهای جاری یکی خواهد گفت: «من از آن خداوند هستم»؛ دیگری خود را به نام یعقوب خواهد نامید؛ «می‌رویند می‌خوانید، و همه این افراد با «دیگری بر دست خود خواهد نوشت»: «از آن خداوند» و نام اسرائیل را بر خود خواهد گرفت گسترش انجیل، خود را با قوم خدا یکی خواهند دانست. بنابراین، احتمالاً این موضوع در این آیات مد نظر بوده است. در اینجا چیز زیادی در مورد بنده گفته نشده است، تا آنجا که اطلاعات اضافی با آیه ۴۲:۶ مطابقت دارد، جایی که بنده نور ملت‌ها، نوری برای غیریهودیان خواهد بود.

بیابید به متن بعدی بنده، اشعیا ۴۴:۲۱، برویم. باز هم، این اشعیا ۴۴:۲۱ بنده و بی‌ارزشی بت‌پرستی. ۵ یک متن اصلی نیست، اما اشاره‌ای به بنده است. باز هم، تعیین حد و مرز دقیق برای این متن دشوار است. اما آیه ای یعقوب، این چیزها را به یاد آور، زیرا تو بنده من هستی، ای اسرائیل. من تو را آفریده‌ام؛ «می‌گوید ۴۴:۲۱ حال، این آیه باید دوباره در متن دیده شود زیرا «تو بنده من هستی، ای اسرائیل؛ من تو را فراموش نخواهم کرد تضادی عمده بین عبارت ۴۴:۲۱ و آنچه قبل از آن آمده است، وجود دارد. به نحوه شروع آن توجه کنید»: اینها

را به یاد آور «- و» اینها «به آنچه قبل از آن آمده است اشاره دارد. آنچه قبل از آن آمده، عبارتی است که در مورد بیهودگی بت‌پرستی، حماقت پرستش بت‌ها صحبت می‌کند. بنابراین، «این چیزها»؛ «ای یعقوب، این چیزها را به یاد آور، زیرا تو بنده من هستی، ای اسرائیل «منظور از» این چیزها «این است که بت‌پرستی حماقت است

آنچه در ادامه می‌آید، یکی از قطعات کلاسیک است. به یاد داشته باشید، این یکی از مضامین اصلی بخش دوم کتاب اشعیا بود - بیهودگی بت‌پرستی. این یکی از متون کلاسیک در این مورد است. به فصل ۴۵، آیه ۹ و تمام کسانی که بت می‌سازند، هیچ هستند و آنچه گرامی می‌دارند، بی‌ارزش است. کسانی «: آیات بعدی نگاه کنید که از آنها دفاع می‌کنند، کورند؛ آنها نادانند و مایه شرمساری خود. چه کسی خدایی را می‌سازد و بتی می‌اندازد که هیچ سودی برایش ندارد؟ او و امثال او شرم‌منده خواهند شد؛ صنعتگران چیزی جز انسان نیستند. بگذارید همه آنها گرد هم آیند و بایستند؛ آنها به وحشت و رسوایی کشیده خواهند شد. آهنگر ابزاری برمی‌دارد و با آن در زغال کار می‌کند؛ او بتی را با چکش می‌سازد، آن را با قدرت بازوی خود می‌سازد. گرسنه می‌شود و قدرت خود را از دست می‌دهد؛ آب نمی‌نوشد و ضعف می‌کند. نجار با خط اندازه می‌گیرد و با ماژیک طرح کلی را می‌کشد؛ آن را با اسکنه خشن می‌کند و با پرگار علامت‌گذاری می‌کند. او آن را به شکل انسان، انسان با تمام شکوهش، می‌سازد تا در معبدی ساکن شود. او سروها را برید، یا شاید یک سرو یا بلوط را گرفت. او گذاشت که در میان درختان جنگل رشد کند، یا کاشته شود «کاجی بود و باران باعث رشد آن شد. این سوخت انسان برای سوختن است؛ مقداری از آن را برمی‌دارد و خود را گرم می‌کند، آتش روشن می‌کند و نان می‌پزد. اما او همچنین خدایی می‌سازد و آن را می‌پرستد؛ بتی می‌سازد و در برابر آن تعظیم می‌کند. نیمی از چوب را در آتش می‌سوزاند؛ روی آن غذای خود را آماده می‌کند، گوشت خود را کباب می‌کند و سیر می‌شود. او همچنین خود را گرم می‌کند و می‌گوید: «آه! من گرمم؛ آتش را می‌بینم.» از بقیه آن، خدایی می‌سازد، بت خود را؛ در برابر آن تعظیم می‌کند و می‌پرستد. او به آن دعا می‌کند و می‌گوید: «مرا نجات بده؛ تو خدای من هستی.» آنها هیچ نمی‌دانند، هیچ نمی‌فهمند؛ چشمانشان را پوشانده‌اند تا نبینند، و ذهنشان بسته است تا نتوانند بفهمند. هیچ‌کس برای فکر کردن نمی‌ایستد، هیچ‌کس دانش یا فهمی ندارد که بگوید: «نصف آن را برای سوخت استفاده کردم؛ حتی روی زغال‌هایش نان پختم، گوشت کباب کردم و خوردم. آیا از آنچه باقی مانده است، چیزی نفرت‌انگیز بسازم؟ آیا در برابر یک تکه چوب سجده کنم؟» او از خاکستر تغذیه می‌کند، دل فریب‌خورده‌اش او را گمراه می‌کند؛ او نمی‌تواند خود را نجات دهد، یا بگوید: «آیا این «چیزی که در دست راست من است دروغ نیست؟

سپس می‌بینید که به آیه ۲۱ می‌رسید: «ای یعقوب، این چیزها را به یاد آور، زیرا تو بنده من هستی، ای اسرائیل «بنابراین این با آنچه در ادامه می‌آید در تضاد است: بت‌پرستی حماقت است به یاد آور، زیرا تو بنده من هستی، ای اسرائیل. من تو را آفریده‌ام، تو بنده من هستی؛ ای اسرائیل، تو را فراموش خدا و عده خود را به بنده انجام خواهد داد. کار بنده انجام خواهد شد. خدا بنده خود را فراموش «. نخواهم کرد

خواهد کرد. سپس عبارت دیگری وجود دارد، بسیار شبیه به ۴۳:۲۵: «من، من هستم که گناهان تو را محو من گناهان تو را مانند ابر و گناهان تو را مانند مه صبحگاهی پاک کرده‌ام. نزد:» می‌کنم «در اینجا در ۴۴:۲۲:» من بازگرد، زیرا تو را رهایی داده‌ام

آنچه در آن مرحله، پس از آن جمله کوتاه درباره اشعیا ۲۴:۲۴-۲۸ نجات بزرگ خدا از طریق کوروش بنده، می‌آید، جمله‌ای طولانی است، آیات ۲۴-۲۸، که عظمت خداوند را در رهایی از تبعید نشان می‌دهد. خدا اورشلیم را بازسازی خواهد کرد، قدرت بین‌النهرین را نابود خواهد کرد و کوروش را به عنوان وسیله‌ای برای رهایی اسرائیل از تبعید، برخواهد انگیزد. بنابراین در متن بعدی، ۲۴-۲۸، یک پیش‌بینی شگفت‌انگیز خواهید داشت. زمینه‌ی اینجا را که احتمالاً در زمان منسی، یک قرن و نیم قبل از کوروش، بوده است، به خاطر بیاورید، همان چیزی است که خداوند می‌گوید - نجات‌دهنده‌ی شما، اما این چیزی است که در آیات ۲۴-۲۸ می‌خوانید: «این که شما را در رحم شکل داد: من خداوند هستم، که همه چیز را ساخته‌ام، که به تنهایی آسمان‌ها را گسترانیده‌ام، که زمین را به دست خود گسترانیده‌ام، که نشانه‌های پیامبران دروغین را باطل می‌کنم و فالگیران را احق می‌سازم، که دانش خردمندان را باطل کرده و آن را به یاهوگویی تبدیل می‌کنم، که سخنان بندگان خود را اجرا می‌کنم و پیشگویی‌های فرستادگان خود را به انجام می‌رسانم، که درباره‌ی اورشلیم می‌گوید:» مسکونی خواهد شد،» درباره‌ی شهرهای یهودا می‌گوید:» آنها ساخته خواهند شد،» و درباره‌ی ویرانه‌های آنها می‌گوید:» من آنها را بازسازی خواهم کرد،» که به ژرفای آب می‌گوید:» خشک شو، و من نهرهای تو را خشک خواهم کرد،» که درباره‌ی کوروش می‌گوید:» او چوپان من است و هر آنچه را که بخواهم انجام خواهد داد؛ او درباره‌ی اورشلیم می‌گوید:» بگذارید بازسازی شود،» و درباره‌ی معبد می‌گوید:» بگذارید پایه‌های آن ساخته شود،» «این چیزی است که خداوند به مسیح خود، به کوروش، که دست راستش را می‌گیرم تا ملت‌ها را در برابر او مطیع کنم و زره پادشاهان را از تنش بیرون آورم، تا درها را در برابر او بگشایم تا دروازه‌ها بسته نشوند، می‌گوید:» من پیشاپیش تو خواهم رفت و کوه‌ها را هموار خواهم کرد. دروازه‌های برنزی را خواهم شکست و میله‌های آهنی را خواهم برید. گنج‌های تاریکی و ثروت‌های ذخیره شده در جاهای مخفی را به تو خواهم داد تا بدانی که من یهوه، خدای برید. اسرائیل هستم که تو را به نام می‌خوانم

بنابراین آیات اولیه فصل ۴۵ و آیات انتهای فصل ۴۴ می‌گویند که کوروش از طرف خدا مأمور شده است تا ملت‌های بسیاری را فتح کند و حتی بابل را نیز فتح کند. شما می‌خوانید که ثروت پادشاه بابل به او داده خواهد تا وقتی همه «. گنجینه‌های تاریکی، ثروت‌های ذخیره شده در مکان‌های مخفی را به تو خواهم داد» شد: آیه ۳ این اتفاقات رخ دهد، کسانی که پیشگویی اشعیا را خوانده‌اند، مدرکی از قدرت خدای اسرائیل داشته باشند. بنابراین آیه ۴، جایی که از بنده نام برده شده است، می‌گوید که تمام پیروزی‌های کوروش به خاطر یعقوب «بنده من»

حاصل شده است. بنابراین بنده کسی است که کوروش برای خیر او برانگیخته شد و این پیشگویی برای خیر او انجام شد.

پیشگویی‌ای وجود دارد که توسط جوزفوس در تفسیر یانگ، جلد سوم، صفحه ۱۹۷، به آن اشاره شده است. او در آیه ۳ می‌گوید: «گنج‌های تاریکی و ثروت‌های مخفی را به تو خواهم داد تا بدانی.» این عبارت لزوماً نشان‌دهنده‌ی تغییر کیش واقعی از جانب کوروش نیست، بلکه صرفاً به این معنی است که او قادر خواهد بود کسی را که از او در این دستاوردها استفاده کرده است، شناسایی کند. در جوزفوس جمله‌ی جالبی وجود دارد مبنی بر اینکه پیشگویی اشعیا واقعاً بر کوروش تأثیر گذاشته است «یانگ این را از جوزفوس گرفته است، جایی که جوزفوس می‌گوید کوروش از زمانی که کتاب این پیشگویی را خوانده بود، که اشعیا آن را به جا گذاشته بود، این چیزها را می‌دانست. دویست و ده سال قبل. این در کتاب «آثار باستانی ۱»، پاراگراف ۲ آمده است.

حالا، یانگ در مورد آن اشاره در یوسفوس اظهار نظر می‌کند. او می‌گوید که چنین موردی آنقدر که برخی باور داشتند غیرممکن نیست. کوروش اعلامیه‌ی رهایی یهودیان را صادر کرد. جالب است، اگر به کتاب این چیزی است که «عزرا، فصل ۱، جایی که اعلامیه کوروش را می‌خوانید، نگاه کنید، به آیه ۲ توجه کنید کوروش، پادشاه پارس، می‌گوید: خداوند، خدای آسمان، تمام پادشاهی‌های زمین را به من داده است و مرا مأمور می‌بینید، در آنجا او خدای اسرائیل را به رسمیت «. کرده است تا برای او در اورشلیم در یهودا معبدی بسازم می‌شناسد». خداوند، خدای آسمان، تمام پادشاهی‌های زمین را به من داده است.» این با اشعیا بسیار مطابقت دارد: تا بدانید که من خداوند، خدای اسرائیل هستم «مفهوم این است که برخی از شما نمی‌دانید. کتاب جدیدی توسط « ادوین یامائوچی در مورد تاریخ پارس منتشر شده است. جالب است بدانید که آیا او در این مورد چیزی ذکر می‌کند یا خیر.

هفتمین متن مربوط به خدمتگزار، اشعیا ۴۸:۱۶ است. حال، وقتی ۴۸:۱۶ را اشعیا ۴۸:۱۶-۴۹:۳ می‌خوانید، اصطلاح «خدمتگزار» را نمی‌بینید - در آنجا نیامده است. اما فکر می‌کنم خدمتگزار به وضوح در نظر گرفته شده است، حتی اگر این کلمه را نبینید. کمی بعد بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. خب، بیایید آیه ۱۶ به من نزدیک شوید و به این گوش دهید: از اولین اعلام، در خفا نگفتم. در زمانی که این اتفاق «: را بخوانیم حال، ۴۸:۱۶ آیه جالبی است و . می‌افتد، من آنجا هستم «و اکنون خداوند متعال مرا با روح خود فرستاده است وقتی در متن اصلی خود قرار می‌گیرد، مشکل تفسیری نسبتاً جدی را ایجاد می‌کند. در متن، به وضوح به نظر می‌رسد که توسط کسی گفته شده است که مردم را به گوش دادن به او در اوایل فصل فرا می‌خواند. به آیه اول ای خاندان یعقوب، شما که به نام اسرائیل نامیده «: برگردید و ببینید قبل از آیه ۱۶ چه آمده است. فصل ۴۸، آیه ۱ می‌شوید و از نسل یهودا می‌آید، به این سوگند یاد کنید، شما که به نام خداوند سوگند یاد می‌کنید و خدای اسرائیل را

«. یعقوب، به این سوگند یاد کنید ای خاندان» «. می‌خوانید - اما نه به راستی و درستی

من چیزهای پیشین را از مدت‌ها پیش «: سپس آیه ۳) به خاطر داشته باشید که چه کسی سخن می‌گوید) پیشگویی کردم، دهانم آنها را اعلام کرد و من آنها را آشکار ساختم؛ سپس ناگهان عمل کردم و آنها به وقوع «: آیه ۵» پیوستند. زیرا می‌دانستم که چقدر سرسخت هستی؛ رگ و پی گردنت آهنین و پیشانی‌ت برنزی بود بنابراین، من این چیزها را از مدت‌ها پیش به تو گفتم؛ قبل از اینکه اتفاق بیفتند، آنها را به تو اعلام کردم تا نتوانی به خاطر «: آیه ۹» بگویی، بت‌های من آنها را ساخته‌اند؛ خدای چوبی و خدای فلزی من آنها را مقرر کرده است ای یعقوب، اسرائیل، که تو را خوانده‌ام، به من گوش کن: «: آیه ۱۲» نام خود، خشم خود را به تأخیر می‌اندازم من او هستم؛ من اول هستم و من آخر هستم. دست من پایه‌های زمین را گذاشت و دست راست من آسمان‌ها را «. گستراند. وقتی آنها را فرا می‌خوانم، همه با هم برپا می‌شوند

می‌بینید، اگر به پایین بروید، به نظر می‌رسد که اول شخص، «من»، که در تمام طول فصل صحبت من، حتی من، سخن گفته‌ام؛ بله، من «: می‌کند، به وضوح خداست؛ و وقتی از آیات ۱۲ و ۱۳ تا ۱۵ ادامه می‌دهید به وضوح به نظر می‌رسد که خدا «. او را خوانده‌ام. من او را خواهم آورد و او در مأموریت خود موفق خواهد شد در بخش اول آیه ۱۶ صحبت می‌کند؛ به نظر نمی‌رسد هیچ شکی در این مورد وجود داشته باشد. اما وقتی به بخش «. دوم آیه می‌رسید، می‌خوانید»: و اکنون خداوند یهوه و روح او مرا فرستاده است

بخش اول آیه به سختی می‌تواند توسط کسی غیر از خدا گفته شود، اما بخش دوم می‌گوید گوینده توسط خدا فرستاده شده است و از خدا به صورت سوم شخص صحبت می‌کند. بنابراین سوال تفسیر این است: چگونه گوینده می‌تواند همزمان خدا باشد و همچنین توسط خدا فرستاده شده باشد؟ چگونه گوینده می‌تواند خدا باشد و در عین حال توسط خدا فرستاده شده باشد؟ من فکر نمی‌کنم توضیح رضایت‌بخش دیگری برای این سوال وجود داشته باشد جز اینکه بگوییم این توسط بنده خداوند گفته شده است و بنده خداوند خود خداست. به همین دلیل است که فکر می‌کنم اشعیا ۴۸:۱۶ نیز باید به عنوان یک متن مربوط به بنده گنجانده شود. این توسط بنده خداوند گفته شده است و بنده خود خداست.

شما می‌گویید: «ایده بنده را در این متن از کجا می‌آورید؟» «اگر با توجه به متن بیشتر پیش بروید، فکر می‌کنم کاملاً روشن می‌شود. در فصل ۴۸:۱۶ ب می‌بینید: «خداوند خدا و روح او مرا فرستاده است» «- شما» «من» ای جزایر به من گوش دهید؛ ای ملت‌های دوردست، این را بشنوید: پیش از آنکه به «: را دارید. به ۴۹:۱ بروید من «در ۴۹:۱ کیست؟ به آیه ۳ نگاه» «. دنیا بیایم، خداوند مرا فراخواند؛ از بدو تولدم نام مرا ذکر کرده است کنید: «او به من گفت»: تو بنده من هستی، اسرائیل «. ببینید، وقتی این متن به فصل ۴۹ می‌رسد، «من» آیه ۱، و «من» ۴۹:۳: «او به من گفت: تو بنده من هستی، اسرائیل، که جلال خود را در او نشان خواهم داد» «. ۴۹:۱ گوینده به وضوح به عنوان بنده شناخته می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که در آیه ۴۸:۱۶ ب، وقتی می‌گویید: و

اکنون خداوند، خدا، و روح او مرا فرستاده‌اند»؛ این بنده است که سخن می‌گوید، اما بنده خود خداست. حال، اگر چنین باشد، ایده قابل توجهی مطرح می‌شود: یعنی الوهیت بنده. فکر نمی‌کنم توضیح دیگری وجود داشته باشد که واقعاً حق مطلب را در مورد متن ادا کند. بنابراین شما یک حقیقت عمیق مطرح می‌کنید که به نوعی غیرمستقیم است. به وضوح توضیح داده نشده است. به درستی کار نشده است. در واقع، شما نمی‌دانید چگونه همه چیز را با هم تطبیق دهید. اما فکر می‌کنم نتیجه این است، جایی که همه این ملاحظات شما را به تلاش برای تطبیق آن آیه در متن آن با آنچه قبل و بعد از آن آمده است، سوق می‌دهد. بنده صحبت می‌کند و خود بنده الوهیت است.

اشعیا از طرف خدا صحبت می‌کند. متن قبلی جایی است که شما اول شخص، خدا، صحبت می‌کنید. اغلب پیامبران به صورت اول شخص برای خدا صحبت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که این نوع شکلی است که این پیامبر از طرف خدا به صورت اول شخص صحبت می‌کند. اما «من» عبارت دوم، همانطور که به متن بعدی می‌رسد، به وضوح به عنوان بنده شناخته می‌شود. البته، برخی ممکن است بگویند که اشعیا بنده است. من فکر می‌کنم شما به سختی می‌توانید استدلال قانع‌کننده‌ای برای گفتن اینکه اشعیا بنده است، ارائه دهید. گاهی اوقات مردم می‌گویند اشعیا بنده است، گاهی اوقات مردم می‌گویند اسرائیل بنده است، گاهی اوقات مردم می‌گویند مسیح بنده است و برخی دیگر می‌گویند که او از اسرائیل متمایز است. اما پس با ۴۹:۱ چه می‌کنید، «خداوند مرا از رحم فراخوانده است» - «آیا این اشعیا است؟» «من» «را در آنجا می‌بینید - شما هنوز در آن اول شخص هستید؟» «خداوند او به من گفت: تو بنده من هستی، اسرائیل، که جلال خود را» «مرا از رحم فراخوانده است» «اگر به آیه ۳ بروید به نظر می‌رسد که» «من» «در آیات ۱ تا ۳ از باب ۴۹ به عنوان بنده معرفی شده است، و» «در تو نشان خواهم داد بنده در آیه ۳ نیز به عنوان اسرائیل معرفی شده است.

بسیار خوب، پس باید به فصل ۴۹، آیات ۵ و ۶ بروید. یا ورود به متن بعدی، موضوع پیچیده‌تر می‌شود. اما به نظر می‌رسد وقتی به آیات ۵ و ۶ می‌رسیم، منظور از بنده در آیه ۳، اسرائیل است، اما وظیفه بنده، همانطور که می‌بینید، در آیه ۵، می‌گوید خداوند مرا از رحم مادر برای خدمتگزاری آفریده است - وظیفه بنده این است که یعقوب را دوباره نزد او بیاورم، «تا یعقوب را نزد او برگردانم و اسرائیل را نزد خود گرد آورم» «وقتی به آیه ۵ می‌رسیم، واضح به نظر می‌رسد که اگرچه بنده به نوعی اسرائیل است، اما از اسرائیل متمایز خواهد بود. این نکته دیگری را مطرح می‌کند که وقتی به آنجا رسیدیم، با جزئیات بیشتری در مورد آن بحث خواهیم کرد.

خب، فکر می‌کنم وقتی به آیات ۵ و ۶ می‌رسید، مشخص می‌شود که اگرچه منظور از بنده، اسرائیل است، اما به نوعی می‌توان بنده را از اسرائیل متمایز کرد. ببینید این را نگه داریم چون می‌خواهم در مورد فصل‌های ۴۹-۵۰ بحث کنم. این در متن اصلی بعدی مربوط به بنده است.

ببینید این را تا زمانی که به فصل ۴۹ نگاه کنیم، نگه داریم. اشعیا ۴۹ یک متن اصلی است و از آیه ۱ تا

پایین، شاید تا آیه ۱۲، متن اصلی بعدی در مورد خدمتگزاری، ادامه دارد. بیاپید ده دقیقه استراحت کنیم و سپس به آن برگردیم.

رونویسی توسط دانا انگل
ویرایش اولیه توسط کارلی گیمین
ویرایش اولیه توسط ند هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس